

ماهنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره اول - فروردین ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۷

تحلیل کارکردهای اجتماعی - موسیقایی و سبک شناسی ویژگیهای واژگان

موسیقی در تاریخ بیهقی

(صفحه ۵۵-۷۱)

منصوره ثابت زاده^۲

تاریخ دریافت و پذیرش: پائیز ۱۳۹۷

چکیده

بررسی موسیقی در تاریخ بیهقی، از معتبرترین متون تاریخی - ادبی و اسناد با اهمیت تاریخ ایران در دوره غزنوی، در حوزه مطالعات بینا رشته‌ای است که از سویی در حوزه ادبی به سبک شناسی لغات و اصطلاحات موسیقی و از سوی دیگر در حوزه موسیقی شناسی بمطالعه جایگاه اجتماعی، منزلت و مرتبه موسیقیدانان و مناسبت‌های اجرایی موسیقی در قرن پنجم هجری میپردازد و علاوه بر توصیف وضعیت دربار غزنویان، به جایگاه، کارکردها و کنش‌های موسیقایی در متن زندگی درباری و جامعه آن روزگاران میپردازد، هرچند بسبب شرح وقایع تاریخی، مجال کاربرد اصطلاحات خاص و فنی موسیقی در آن نیست، شمار بسیاری از اصطلاحات و لغات تک معنایی موسیقی و لغات چند معنایی با معنی اصطلاحی موسیقی و انواع سازهای کوبه‌ای و بادی و رشته‌ای برای توصیف مناسبتی خاص بکار رفته است. بالاترین بسامد واژگان موسیقی شامل لغات چند معنایی موسیقی و انواع سازهای کوبه‌ای و بادی است که در موسیقی مراسمی و رزمی و بیان روایت‌های تاریخی با مشخصه اعلان و اخبار بکار رفته است.

کلید واژه: تاریخ بیهقی - موسیقی - اصطلاحات - کارکرد - ظرفیت

۱- از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم، تمام مجلات علمی پژوهشی کشور به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب m_sabetzadeh@azad.ic.ir

Analysis of socio-musical and functions of musical vocabulary in Behaghi History

Mansoureh Sabetzadeh

Abstract

The study of music in the history of Behaghi is one of the most valuable historical and literary texts and documents of the importance of Iranian history in the Ghaznavid period. In the field of biostatistics, it focuses on the stylistics of vocabulary and musical descriptions and the study of the status of music, the status of musicians and The concerts of music perform in the fifth century AH and, in addition to describing the status of the musicians, it deals with the position, functions and musical actions in the context of the life of the court and society of those times. However, due to the description of historical events, the use of special terms and the use of music is not numerous. A variety of percussion instruments and wind musical term meaning caring is used to describe a special occasion. The highest frequency of music vocabulary consists of the semantic vocabulary of music and percussion instruments, and has used historical narratives in charity music and narrative with the characteristic of the announcement.

Keyword: Behaghi History - Music - Terms - Function – Capacity
Assistant professor in Islamic Azad University, South Tehran branche

¹ - **Mansoureh Sabetzadeh** : Department of Persian language and literature, Islamic Azad university, South Tehran Branch, Tehran, Iran
(m_sabetzadeh@azad.ac.ir)

مقدمه

تاریخ بیهقی اثر ابوالفضل بیهقی (۳۸۵-۴۷۰ ه.ق) از زمره متون تاریخی - ادبی قابل استناد در حوزه مطالعات بینا رشته ای ، علاوه بر ارزش‌های سبک شناسانه ادبی و زبانی، به لحاظ درج دقایقی از مناسبت‌های اجتماعی موسیقایی و حضور موسیقی در اعیاد ملی و مذهبی ، معرفی سازها ، موقعیت‌های اجرایی و وضعیت موسیقیدانان و پاره‌ای مختصات دیگر، علاوه بر حوزه ادبی و تاریخی در حوزه موسیقی شناسی و تاریخ موسیقی ایران اهمیت بسزایی دارد. در تاریخ بیهقی فرهنگ و میراث گذشته موسیقی در جامعه قرن پنجم و مناسبات موسیقایی دربارهای ترکی - ایرانی درج شده است. روایت جذابی که ما را قادر می‌سازد تا از دهلیزهای هزارتوی تاریخ ، علیرغم تعصبات مذهبی متشرعین ، به رمز و راز ماندگاری هنر موسیقی و رد پای آن در اعصار گذشته دست یابیم . البته در شعر شاعران شاخص قرن پنجم و معاصر بیهقی ، نظیر فرخی و منوچهری و عسجدی و عنصری سایه روشنی از کلیت موسیقی بدست می‌آید، ولی گویای فرهنگ موسیقایی جامعه آن روزگاران نیست . به دیگر سخن ، در شعر مدحی و درباری عهد غزنوی با وجود درج مجموعه گسترده‌ای از لغات موسیقی ، کیفیت کارکردهای اجتماعی و جایگاه موسیقی مشخص نمی‌شود، در حالیکه تاریخ بیهقی چه بسا بسبب واقع گرایی که از مختصات متون تاریخی است، از نخستین آثار است که تصویری روشن از موسیقی درباری و مراسمی قدیم ایران ارائه می‌دهد . بیهقی که در قرن پنجم میزیست و امدار دوران طلایی تمدن ایرانی - اسلامی قرن چهارم است که پس از آمیختگی زبان فارسی و عربی و گسترش زبان نوشتاری دستاوردهای نظری و عملی ارزنده‌ای در تاریخ فرهنگ موسیقی ایران عرضه کرد و نظریه پردازان و فیلسوفان و دانشمندان برجسته‌ای نظیر ابونصر فارابی (۳۳۹) ملقب به فیلسوف ثانی و موسیقیدان و عودنواز، که داستانها و فواصل عود و تنبور و مسائل نظری موسیقی تا قرن چهارم را در کتاب مشهور موسیقی کبیر به عربی نگاشت و ابوعبداله خوارزمی (۳۷۰) مولف کتاب مفاتیح العلوم و ابوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰ ه.ق) صاحب رساله موسیقی نجات بفارسی و ابوریحان بیرونی (۳۶۲) مولف استخراج الاوتار فی الدائر (تاریخ موسیقی، ۱۳۷۳، ۱۴۰) تئوریهای موسیقی را تدوین کردند. از سوی دیگر ، با تسلط ترکان " زبان ترکی بتدریج در بین فارسی زبانان از ماوراءالنهر تا آذربایجان نفوذ کرد تا جایی که بسیاری از مردم دو زبانه شدند " (عصر زرین فرهنگ ایران، ۱۳۷۵، ۲۴۰) و بیهقی در غزنه در دربار و مرکز غزنویان که محل رفت و آمد فرهنگ‌های گوناگون است بمقام دبیری منصوب شد و در معرض محافل شاعر- موسیقیدانان درباری نظیر فرخی سیستانی برپا نواز و منوچهری و عنصری و موسیقیدانان حرفه‌ای نظیر محمد بریطی ، ستی زرین کمر خنیاگر معاصر منوچهری ، عبدالرحمن قوال ، بوقی و عندلیب قرار گرفت و با بالاترین مراتب دیوانی

و درباری معاشر گردید. توصیفات بیهقی از مجالس جشن و مناسبت‌های موسیقایی، اگرچه گذرا، براساس مشاهده شخصی و یا اخبار مکتوب و شفاهی و قابل استناد و از زمره نخستین اسناد تاریخ موسیقی ایران بشمار میرود که تصویری زنده از موسیقی و دیدگاه درباریان و کارکردهای اجتماعی موسیقایی در جامعه قرن پنجم را ارائه کرده است. مطالعه فرهنگ موسیقی ایران و بازنگری تاریخی آن در متون تاریخی - ادبی و یکی از بارزترین آنها، تاریخ بیهقی با همه دشواریهایش، جذابیت و اهمیت بسیاری در سبک‌شناسی متون تاریخی و بررسی‌های موسیقایی و تاریخ موسیقی گذشته ایران دارد. تاریخ بیهقی، موقعیت و کارکردهای موسیقایی عصر خود را، از موسیقی‌های رایج درباری و اشراف و حاکمان ترک-ایرانی گرفته تا وضعیت مطربان درباری و شهری و مردمی و جایگاه آنان در برگزاری مراسم و مناسبت‌های مختلف را تصویر میکند و در پس‌گفته‌ها، مگوهای تاریخ از روزنه تصورات ما سربر میکشد. منع اسلامی موسیقی و حلال و حرام بودن آن در کنار سماع پروری عرفا و ممانعت و تنگ نظری خلفا که سرکوب سرکشان ایرانی غایت آرزوی آنها بود و متشرعین متعصب تا توصیف بساط نشاط و شراب و رقص مطربان زن و مرد درگاه امیرمسعود و غروب غم‌انگیز حکمرانی امیرمحمد حصرنشین و فرار مطربان وی و مقیمان محله شادی‌آباد و دسته بوقیان بشارت‌دهنده، همه و همه، درست زیرگوش سلطان محمود و محمودیان اسلام گستر و غاصب معابد هندی، تصویری متناقض و گیج‌کننده از دربار ترکان غزنوی بدست میدهد. ابوالفضل بیهقی بی‌واهمه از قاضیان و شاعران و متعصبان، مسعود و مسعودیان را آشکار او پوشیده از پرده بیرون می‌افکند. اشاره‌های موسیقایی البته در کمال ایجازند و به یک دوره کوتاه از حکومت غزنویان مربوط میشود ولی ما را از این روزن، با لایه‌های پنهان و آشکار مناسبات درباری و فرهنگ موسیقایی قدیم ایران و کیفیت بزمها و جشنهای ملی و مذهبی و مراسم و آداب جنگی راهبری میکند بخصوص آنکه استشهاد شخصی "و من که ابوالفضلم" بر گزارشهای موسیقایی صحت میگذارد.

پیشینه و پرسش و روش تحقیق

در پژوهش حاضر به کارکردهای اجتماعی موسیقایی و سبک‌شناسی واژگان موسیقی در تاریخ بیهقی برای نخستین بار توجه شده است. در حوزه ادبی کیفیت کاربرد و ویژگیهای واژگان موسیقی در بیان موقعیتهای مختلف و اینکه تا چه لغات عربی و ترکی و یا هندی در این مجموعه وارد شده‌اند و نیز بسامد انواع واژگان شامل لغات تک معنایی و چند معنایی و اصطلاحات خاص موسیقی و آسامی موسیقیدانان مشهور و گمنام مشخص و درنمایه پایانی با ذکر میزان بسامد هر یک بتفکیک طبقه‌بندی و مقایسه میشود.

۱- کارکردهای موسیقایی - مراسمی در تاریخ بیهقی

در تاریخ بیهقی موسیقی کارکردهای اجتماعی مختلفی دارد، نظیر: کارکردهای اعلانی و اخباری بمناسبت مراسم استقبال و بدرقه و شروع و خاتمه جنگ و درپس و پیش و قلب سپاه و نیز کارکردهای بزمی و جشنی نظیر اجرای موسیقی در نوروز و مهرگان و اعیاد فطر و قربان و بزمهای سرایی و بیرونی و بوقت شکار و نشاط و خلوت و نکاح و غیره که در هر یک سازهای مختلفی بمناسبت شرکت داشته اند که به دو دسته موسیقی اعلانی - رزمی و موسیقی سرایی - بزمی طبقه بندی شده اند.

۱-۱- کارکردهای اجتماعی - موسیقایی با سازهای بادی و کوبه‌ای

کارکرد اعلانی در موسیقی به اجرای موسیقی بمنظور اخبار و آگاهانیدن از رخدادی مهم و خاص اطلاق میشود که معمولاً با سازهای بزرگ و با صدای بلند و مهیب اجرا میشود، سازهای بوق و کرنا و سرنا که اغلب به تنهایی نواخته میشوند و یا با سازهای کوبه‌ای نظیر طبل و دهل و کوس و کاسه پیل و آینه پیل همراهی میشوند از مهمترین سازهای اعلانی در تاریخ بیهقیند. برخی از این سازها مثل سرنا، کرنا، دهل و طبل امروزه هنوز در لرستان، بختیاری، خراسان، آذربایجان، مازندران، کرمان و سیستان و بلوچستان برای آگاه کردن مردم از یک رویداد اجتماعی مثل ازدواج یا مرگ و سوگواری و غیره استفاده میشوند. حضور برخی از آنها در مثلثهای فارسی نظیر "در بوق و کرنا کردن (زدن)" نشان از اهمیت و فراوانی آنها دارد. در تاریخ بیهقی سازهای بزرگ بادی و کوبه‌ای برای نشان دادن هیبت و اعتبار و بزرگی و نیز کارکردهای جنگی گاه توأمان با بوق و کوس و دهل و گاهی نیز فقط با یک ساز کوبه‌ای نظیر کوس کاربرد داشته است. مناسبتهای نواختن کوس و دهل و بوق شامل موارد آماده باش و تجهیز سپاه، حرکت سپاه، رسیدن سپاه، شروع به کارزار، تاختن حرکت بهنگام پگاه و چاشتگاه، اعطای مقام به بزرگان و درباریان و ارکان دولتی، خلعت دادن و پوشیدن، جایزه و صلح، شادی و سرور، استقبال و بیدار باش و بسیاری دیگرست. چه بسا آهنگها و ریتمهای سازهای اعلانی - رزمی و اعلانی - بزمی تفاوتهایی نیز داشته است و اجرای هر یک از آنها بمناسبت موضوع رویداد خاصی بستگی داشته است. کوس و طبل و بوق را در صبحگاه بمناسبت حرکت سپاه مینواختند "وقت چاشتگاه آواز کوس و طبل و بوق بخاست" (۳۷۳) و برای شروع جنگ "بامداد برنشست کوسها فرو کوفتند و بوقها دمیدند و قصد آن کردند که برکوه روند" (۱۴۰) و (۱۴۱) و کوس در شروع جنگ و سوار شدن لشکر "پگاه کوس فرو کوفتند و لشگر برنشست" (۷۵۷) و گویا اصول و ضربهای مختلفی را مینواخته است. چنانکه بیهقی تاکید میکند که کوس جنگ را نواختند نه کوسی که در درگاه برای خلعت پوشیدن مینوازند "سواران بایستادند و کوس جنگ بزدند، خوارزمشاه اسب خواست و بجهت برنشست، اسب تندی کرد" (۴۴۴) و نیز کوسهایی که مختص جنگ

ساخته شده بودند: " فرمودیم تا کوسهای جنگ فروکوفتند" (۵۹۴) برای هشدار دادن و مراقبت از سپاه و چپ و راست میدان جنگ و به اصطلاح گوش به زنگ بودن، در داستان خوارزمشاه میخوانیم "منتظر آواز کوس باشید که هر چند صلح باشد بزمین دشمنیم و از خصم ایمن نتوان بود" (۴۴۸) و برای مشایعت و عزیمت امیران، کوس نوازی متداول بوده است نزدن کوس نیز کنایه از پوشیده حرکت کردن بود. " و فرموده بود که کوس نباید زد تا بجا نیارند که او برفت" (۹۹) و وقتی مسعود از دست رسول خلیفه خلعت دریافت کرد " بر درگاه کوس فروکوفتند" (۴۷۴) و کوس بخشیدن نهایت خلعت و مقام و منصب دادن را نشان میداد. "سخت نیکو خلعتی راست کردند و والی را کمروکلاه و شاخ و کوس و علامت پنج پیل و آنچه فراخور این باشد. (۵۵۵) دراستقبال رسول خلیفه قائم بالله و مراسم سوگواری خلیفه، ساز بوق را با دهل و کاسه پیل که بنظرنوعی طبل بزرگ بوده، مینواختند. دو ساز کوبه‌ای دهل که طبلی است که دو طرف و یا یک طرف آن پوست کشیده‌اند و ساز " کاسه پیل " سازی شبیه طبل، بوق نیز نواخته میشده است و این گمان را پیش می‌آورد که ممکن است مراسم رسمی‌تر و با اهمیت‌تر درباری با این سه ساز برگزار می‌شده است. " و رسول را برنشانند و آوردند و آواز بوق و دهل و کاسه پیل بخاست. " (۳۸۲) و اما بوق بمناسبت رسوا کردن بدکار نواخته میشده است و طبل یا دهل و کوس مینواختند. " او کار را دشنام دادند و مخنث خواندند و بوق بزدند " (۶۰۴) که تفاوت موسیقی‌های اعلانی را میرساند. همچنین بوق را در استقبال و آوردن رسول نزد سلطان مسعود و دست بوسی وی مینواختند. " آواز بوق و دهل بخاست و نعره برآمد. " (۴۷۱) و منظور از نعره، ابراز شادی سپاه یا مدعوین در مشاهده مراسم است. جالب است که پس از دادرسی مردم جشن برگزار می‌شده چنانکه سلطان مسعود و همراهانش، پس از شرکت در مراسم دادخواهی و شنیدن مظالم مردم، به بزم نشستند و از آن بزرگان و اعیان و هم مردم نصیب بردند. این رویداد مربوط بسفر دشت شابه‌اراست. ممکن است منظور از دعوت مطربان، مطربانی بودند که در دربار حضور داشتند که همراه امیر بودند یا آنها را از جای دیگری خبر کردند. بنظر میرسد این جشن به یک بار عام عمومی شبیه بوده که در آن اعیان و نیز حاجتمندان شراب و نواله می‌خوردند و در این حال " مطربان نیز میزدند و میخواندند و شادی و طرب به پرواز آمد " .. (۳۷۳) کارکردهای بشارتی با سازهای کوبه‌ای و بادی نیز اهمیت دارد. برای هر موفقیتهای امیر دستور میداد تا بوق و دهل بزنند و همگان از خبر خوش، شاد شوند. " امیر بدین خیر سخت شاد شد ... و فرمود تا دهل و بوق زدند " (۵۵۹) و نیز می‌شیران که خبرهای خوشی می‌آوردند را صله و خلعت میدادند. " امیر شراب میخورد که این بشارت رسید فرمود می‌شیران را خلعت و صلت دادند و بگردانیدند و بوق و دهل زدند " (۵۶۹) گاهی از زبان می‌شیران مجالس تهنیت توأم با موسیقی تصویر میشود. " چون

ما بغزنین رسیدیم و نامه سرهنگ کوتوال را دادیم . مثال داد تا برقلعت دهل و بوق زدند..و همه فقها واعیان و عامه آنجا رفتند بتهنیت و فوج فوج مطربان شهر و بوقیان شادی آباد بجمله با سازها بخدمت آنجا آمدند و زیادت از پنجاه هزار درم زر و سیم جامه یافتیم." (۶) این مطربان لابد موسیقی شهری اجرا میکردند و بوقیها با مطربان فرق داشتند و در محله خاص خود شادی آباد زندگی میکردند و چه بسا نوع دیگری از موسیقی را ارائه میدادند. (اعلام عمومی عزاداری معمولاً با بستن سه روزه بازارها و پوشیدن جامه سفید همراه بوده است) امروزه تاجیکان در ماوراء النهر در سوگواری سپید میپوشند، مشاهده نگارنده، ۱۹۹۸ میلادی) و بعد از سه روز بازارها را باز میکردند و دیوانها را میگشودند و " دهل و دبدبه زدند" (۳۸۳) درگذشت خوارزمشاه را با کوس اعلام کردند چنانکه " درمیان غلامان شکرخادم فرمود تا کوس فروکوفتند. " (۴۴۸) اما حدیث سوگواری عمرولیث پس از شنیدن خبر درگذشت پسرش از بیماری قولنج به لونی دیگر و بی سابقه است ، چنانکه وکیل را "مثال داد که برو مهمانی بزرگ بساز و سه هزاربره و آنچه با آن رود و شراب و آلت آن و مطربان راست کن فردا را... پس از بار دست بدان کردند و شراب آوردند و مطربان بر کار شدند... عمرولیث روی به خواص و اولیا و حشم کرد و گفت بدانید که مرگ حق است... و جزع و گریستن دیوانگی باشد...بخانه بازروید و شاد می زبید." (۶۱۸) رفتارهای اینچنین امروزه در بین عشایر زاگرس نشین بخصوص بختیارپها مشاهده میشود و بهنگام مرگ جوان بالباس سیاه و دستمالهای رنگی با کرنا و دهل کل میکشند و میرقصند. (مسجد سلیمان، منطقه لالی و بازفت علیا، روستای گزستان ۱۳۸۴، مشاهده نگارنده)

۲-۱- کارکردهای اجتماعی - موسیقایی باسازهای بزمی رشته‌ای

در اعیاد مذهبی فطر و قربان در درگاه غزنوی، مجلس شعر و موسیقی برگزار نمیکردند. ولی بلافاصله پس از رمضان و دیدن ماه درعید فطر و نماز شام، بزرگان و امیران به شراب و نشاط و موسیقی می‌نشستند. دیگر اینکه مطربان به امربزرگان به جاسوسی میپرداختند چنانکه محمود غزنوی از گسترش دهندگان اسلام در هندوستان و ویرانکننده معابد سومنات، با شبکه جاسوسان خود دایم بدنبال رسواکردن پسرش مسعود و یافتن خیش خانه او بود، و امیر مسعود به دینداری تظاهر میکرد و بمحض پایان رفتن ماه روزه به شراب و نشاط می‌نشست: " امیر روزه داشت و کس را زهره نبود که پنهان و آشکارا نشاط کردی و دیگر روز عید اضحی کردند... امیر مدتی شراب نخورده و پس از نماز و قربان امیر برخوان نشست.. و شاعران شعر خواندند ، که عید فطر شعر نشنوده بود ، و مطربان بر اثر ایشان زدن گرفتند و گفتن، و شراب روان شد و مستان بازگشتند و شعرا را صله فرمود و مطربان را فرمود " (۷۳۵) اینکه نخست شاعران شعر میخواندند و سپس مطربان مینواختند و تنها موردی است که امیر مسعود به شاعران صله میدهد، در حالیکه به مطربان

دستمزدی نمیدهد شاید مبین مرتبه بالاتر شاعران بوده و بی‌اعتنایی به مطربان، در ست پس از ماه رمضان و در روز عید فطر از رفتار عجیب و غریب او برمی‌آید و چه بسا مصلحت چیزی را در نظر گرفته است، در حالیکه در اغلب موارد مطربان را تکریم میکرد چنانکه چند روز بعد از جشن فطر که شرح آن رفت "ندیمان و مطربان را پنجاه هزار درم فرمود و گفت کارسازید که بخواهیم رفت... محمد بشنودی بریطی گفت و سخت خوش استادی بود... و ندیمان بنشینند و دوبیتیها گویند و مطربان بیایند که در مجلس رود و بریط زنند." (۷۳۷-۷۳۵) پنجاه هزار دینار رقم قابل توجهی است که به ندیمان و مطربان داده میشود و از یکی از اعیاد قربان، که بی رونق بوده نیز یاد شده "امیر مثال داد که هیچ تکلفی نباید کرد" (۸۷۸) جشنهای باستانی نوروز و مهرگان و سده نیز با موسیقی اجرا میشده است: "و امیر بجشن نوروز بنشست و هدیه‌ها بسیار آورده بودند و تکلف بسیار رفت و شعرشود از شعرا که شادکام بود درین روزگار و صلت فرمود و مطربان را نیز فرمود" (۸۱۵) و در شاهد دیگر امیر "روز چهارشنبه نهم ذوالحجه بجشن مهرگان بنشست و هدیه‌های بسیار آوردند... و دیگر روز عید اضحی کردند... و امیر برخوان نشست... و شاعران شعر خواندند و مطربان بر اثر ایشان زدن گرفتند... و ندیمان بنشینند و دوبیتیها گویند و مطربان بیایند که در مجلس رود و بریط زنند." (۷۳۶-۷۳۴). در اواخر کار مسعود غزنوی جشن مهرگان بی شکوه برگزار میشود و از صله‌های امیری خبری نیست و اوضاع زمانه بهم ریخته است. "امیر بجشن مهرگان نشست و بسیار هدیه و نثار آوردند و شعرا را هیچ نفرمود... و مطربان را هم صلت نفرمود که درین روزگار زریاش سستی گرفته بود و کم باریدی و عمر بپایان آمده بود و این روزگار مهرگان نیز بگذشت." (۷۹۰)

۳-۱- کارکردهای حرکتی و رقصی در تاریخ بیهقی

در استقبال از امیر مسعود و مطربان سند بسیار مهمی از رقص در ایران، که امروزه هنوز در خراسان بدان "بازی" میگویند، در تاریخ بیهقی آمده است که وقتی کشتیهای حامل امیر و همراهان بکرانه جیحون میرسد، امیر بر کشتی خاص سلطان و ندیمان و مطربان و غلامان نیز در کشتیهای دیگر نشسته اند و از "قلعت بوقها بدمیدند و طبلها بزدند و نعره‌ها برآوردند و خوانها برسم غزنین روان شد... و آواز مطربان از کشتیها برآمد و بر لب آب مطربان ترمذ و زنان پای کوب و طبل زن افزون سیصد تن دست بکار بردند و پای میکوفتند و بازی میکردند و ازین باب چندان که در ترمذ دیدم و کاری رفت چنانکه مانده آن کس ندیده بود." (۳۱۱) در این سند متوجه میشویم که مطربان درباری همراه امیران بسفر میرفتند و در کشتیهای دیگری می‌نشستند و بمناسبت آواز میخواندند. همچنین برای رقص زنان آنها در ملاعام و در کرانه دریا و نزد مردم و چه بسا در استقبال از امیر، منع اجتماعی و مذهبی وجود نداشته است و یا متشرعان را جرئت اعتراض بچنین مراسمی نبوده است و

قابل تامل است که آیا این سیصد تن حرفه‌ای بودند یا از مردم نیز در میان آنها شرکت داشته‌اند؟ اقدام بعدی تکریم مطربان و رقصندگان و طبل نوازان است و در خبر فتح مکران امیر " پنجاه هزار درم بدین مطربان و پای کوبان " میبخشد. (۳۱۳) در استقبال رسول القادر بالله تکلف بسیار کردند و او را در بازار آوردند و " بازیگران بازی میکردند و روزی بود که مانند آن کس یاد نداشت " (۵۰) در اینجا منظور از فعل بازی و ترکیب بازیگر ممکن است مقصود رقص و مراد از مضحکه، نمایشهای خنده‌دار باشد.

۴-۱- کارکردهای اجتماعی اجرایی و مراتب و جایگاه موسیقیدانان

در تکریم مطربان و پرداخت دستمزدهای کلان در تاریخ بیهقی شواهد بسیاری هست و فقط یکبار امیر به مطربان صله نمیدهد (۷۳۵) و یکبار هم استقبال کنندگان رقصنده و طبل باز و مطرب را مینوازد و پنجاه هزار درم صله میدهد که در شاهد مثال رقصندگان ترمذی مشاهده کردیم. (۳۱۳) در بزرگداشت شاعران در برابر مطربان شواهدی هست که: " شعرا پیش آمدند و شعر خواندند و بر اثر ایشان مطربان زدن و گفتن گرفتند " (۳۵۹) و در جایی دیگر " شعرا را صله فرمود و مطربان را نفرمود " (۷۳۵) و درم بخشی امیر به شاعران بیگانه بیست هزار درم و به علوی زینبی پنجاه هزار درم و به عنصری هزار درم بوده است و ندیمان و مطربان را سی هزار دینار (۳۶۰)، البته بنظر نمیرسد که شاعران کمتر از مطربان صله می‌گرفتند و اشاره بیهقی در مورد صله هزار درمی عنصری که ملک الشعرا دربار غزنوی و مورد تشویق و حمایت همیشگی سلاطین غزنوی بود، خودی دانستن او است و دستمزد عنصری حتی نسبت به شاعران دیگر زیاد بوده است، در حالیکه مبلغ سی هزار درم یا پنجاه هزار درم صله، بطور جمع به گروهی از ندیمان مجالس درباری و مطربان یا غلامان بطور دسته جمعی داده میشده است.

مشرفی یا جاسوسی و شبکه مشرفان در دستگاه حکومتی غزنویان عریض و طویل و مهم بود. همه برای هم و حتی جاسوسان برای یکدیگر جاسوس گذاشته بودند و در دوجا در تاریخ بیهقی، مطربان برای جاسوسی بکار گرفته میشوند، چنانکه مسعود در باغ عدنانی، پنهان از پدر شراب میخورد و خلوت و نشاط میکرد و " مطربان میداشت مرد و زن که ایشان را از راه‌های نپه‌ره نزدیک وی بردندی " چون مشرفها به خلوت امیر راه نداشتند، سلطان محمود جاسوسانی از عامه مردم برای امیر مسعود قرارداد داد بود " چون غلام و فراش و پیرزنان و مطربان (۱۴۵) که اینان غیر حرفه‌ای بودند و از همه نزدیکتر به امیر مسعود همین مطربان بودند که میتوانستند به خلوتگاهها و سراها وارد شوند.

۵-۱- مطربان زن: شواهدی چند مبنی بر وجود مطربان زن در دستگاه غزنویان در تاریخ بیهقی می‌یابیم. گو یا زن مطرب‌های بنام سستی زرین کمر " (۵۱۰) در درگاه مسعود غزنوی بکار مطربی مشغول بود و مورد اعتماد امیر مسعود و بیهقی از او چنین نقل

می‌کند: " من که بوالفضلم از ستی زرین مطربه شنودم واین زن سخت نزدیک بود بسطان مسعود چنانکه چون حاجبه‌ای شد فرود سرای و پیغامها دادی سلطان او را به سراییان درهربابی " باردیگر نام این مطربه درتوصیف کوشک می‌آید که " کوشک را چنان بیاراسته بودند که ستی زرین و عندلیب مرا حکایت کردند که بهیچ روزگار امیر آن تکلف نکرده بود .. و رعایا شادی میکردند و اعیان انواع بازیها میبردند و نشاط شراب میرفت تا این عیش بسرآمد " (۵۴۹) و پوشیده کاری مسعود درخیش خانه که دور از چشم پدر بنشاط میپرداخت و " مطربان میداشت مرد و زن که ایشان را از راههای نهمه نزدیک وی بردندی " (۱۴۵) و مطربان را از راههای مخفی و پنهانی به خیش خانه می‌آوردند.

۶-۱- مطربان سرایی: در دربار غزنوی، همانطوری که سرهنگ سرایی و غلامان سرایی (۳۵۵) از سایرین مجزا میشدند، مطربان سرایی نیز گروه خاصی از مطربان بوده اند، چنانکه در احوال امیر محمد آمده " و ندیمان خاص او را دستوری بود نزدیک وی میرفتند همچنان قولان و مطربانش " (۴) چه بسا مطربان سرایی نیز مانند برخی از شاعران در جنب دربارها زندگی میکردند و با مطربان بیرون از دربار متفاوت بوده اند. " و مطربان سرایی و بیرونی دست بکار بردند و نشاطی برپا شد " (۳۵۹)

۷-۱- ندیمان و مطربان: این دو همواره همنشین همیشگی در تاریخ بیهقی در مراتب ورود بمحضر امیر و خروج از آن بوده اند که نوعی تشریفات خاص را میرساند. شاید این مربوط باشد بمراتب شرف حضور درباری بوقت اجرای موسیقی. همانطوری که وقتی نامه ای از رسولی دریافت میشد، نخست دبیر رسایل آنرا بازدید میکرد و سپس اگر عربی بود مترجم پیش می‌آمد و آنرا میخواند و یا اینکه اگر مجلس بزم بود، شرابداران وارد میشدند و سپس ندیمان با مطربان می‌آمدند و سپس ندیمان می‌نشستند و مطربان برای موسیقی آماده یا بقول بیهقی در کار میشدند. " ندیمان نشسته و مطربان میزدند " (۲۰۳) و گاهی ندیمان صاحب ذوق و شاعر هم شعر میخواندند و اگر شاعران در مجلس بودند، نخست آنان شعر میخواندند و سپس مطربان مینواختند. اگر امیران برای شکار میرفتند بمنزله یک رسم و جشن و تفریح، یا بقصد بازدید و گردش، مطربان را با ندیمان به‌همراه میبردند. " امیر به شکار پره رفت با خاصگان لشگرو ندیمان و مطربان (۶۵۴) و در مراسم میگساری و درون سرایی و گاهی در خضرا و سراپرده های گردشگاهها، امیر و خواص " شراب خوردند با ندیمان و مطربان " (۵۲۷)

۲- مباحث زبانی و سبک‌شناسی واژگان موسیقی در تاریخ بیهقی

۱-۲- بسامد و کیفیت واژگان موسیقی در تاریخ بیهقی

واژگان موسیقی و انواع و فراوانی آنها در تاریخ بیهقی بیشتر منحصر بذکر انواع سازها در بیان مناسبت‌های مختلف است که در بخش نخست این پژوهش بنقش کارکردی آنها

پرداخته شد. سایر واژگان موسیقی شامل لغات تک معنایی و چند معنایی با معنای موسیقیند هر چند اصطلاحات فنی و خاص موسیقی بندرت بکار رفته اند. انواع واژگان موسیقی عبارتند از:

۱-۱-۲- **لغات تک معنایی موسیقی**: به لغاتی گفته میشود که دارای یک معنا و آنهم معنای موسیقیند. بیشترین بسامد لغات تک معنای مختص واژه مطرب است که همیشه بصورت جمع استفاده شده است و در دو مورد بصورت مفرد آمده است که از آن معنی جمع مستفاد میشود. نظیر "سه مطرب خاص" (۲۵۴)

۲-۱-۲- **لغات چند معنایی موسیقی**: لغاتی هستند که دارای معانی مختلفی و یکی از معانی آنها با موسیقی مرتبط است و در تاریخ بیهقی شامل اسامی و افعالنند. فعل چند معنایی **گفتن** بمعنای آواز خواندن در تاریخ بیهقی بکار رفته است: "مطربان بر اثر ایشان زدن گرفتند و گفتن" (۷۳۵) و یا در شاهد مثال "مطربان میزدند و میخواندند و در جای دیگر مطربان میزدند و میگفتند" بقرینه زدن، گفتن بمعنی آواز خواندن است (۳۷۳) **گرفتن** بمعنای آغاز به نوازندگی یا به کنایه زخمه گرفتن بمعنای نواختن در شاهد مثال "مطربان زخمه گرفتند" (۵۴) بیهقی از فعل **جنبانیدن** بجای نواختن استفاده میکند که کاربردی نو و ابداعی است چون معمولاً سازهای زنگی مثل درای یا ناقوس و زنگ را میجنبانند تا صدا کند و جنبانیدن بوق کنایه از نواختن آن است "و بوقها و آئینه پیلان جنبانیدند". (۴۷۳) **سماع** در لغت به معنای شنیدن و گوش دادن، آواز خواندن و رقصیدن و نواختن ساز است. از اخبار تاریخ بیهقی معلوم میشود که سماع رواج داشته و گاهی مراد از سماع اجرای ساز و آواز رقص است "و نرمک نرمک سماعی و زخمه‌ای و گفتاری میشنید" (۵۳۹) و یا رونق مجالس را نشان میدهد "بسیار مذاکره رفت در ادب و سماع و اقتراحات" (۷۸۶) و در برخی شواهد از آن حظ موسیقایی مستفاد میشود "و این خوارزمشاه که روزی شراب میخورد بر سماع رود" (۹۰۸). کاربرد مکرر واژه "کار" بنظر نمیرسد اصطلاح فنی موسیقی و بمعنای فرمی از تصنیفات موسیقی قدیم ایران باشد و در شاهد مثال "ندیمان و مطربان خواست، بیامدند و دست بکار بردند" (۶۲۹) "دست بکار بردن" کنایه از مهیا کردن اسباب سورا و شادی یا شروع موسیقی است: "امیرمسعود را سردابه‌یی ساختند سخت پاکیزه زمانی بخواب و دیگر بنشاط و شراب پوشیده خوردن و کار فرمودن" (۱۶۱) یا "کارها یکرویه شد" (۱۸۲) "ندیمان و مطربان را پنجاه هزار درم فرمود و گفت کار بسازید" و یا در شاهد مثال "و بر لب آب مطربان ترمذ و زنان پای کوب و طبل زن افزون سیصد تن دست بکار بردند". (۳۱۱) واژه **دوبیتی** از لغات چند معنایی با معنی اصطلاحی موسیقی است بمعنای ترانه یا نوعی تصنیف و در ادبیات فارسی، نوعی از قالبهای شعر است. ترانه

سومین بخش از نوبت‌هایند که یکی از مهمترین فرم‌های موسیقی دوازده مقام قدیم ایران بشمار می‌روند، در شاهد مثال: "ندیمان بنشینند و دوبیتها گویند و مطربان بیایند که در مجلس رود و بربط زنند." (۷۳۷-۷۳۵) مراد از دوبیتی، بنظر میرسد اشاره بقالب شعری دوبیتی یا ترانه باشد. چنانکه بیهقی ندیمان را دوبیتی خوان و مطربان را نوازندگان دو ساز بریت و رود می‌شمرد و این نوع سازها و موسیقیها، مختص مجالس سرایی و اندرونی است و در بیان روزگاریسایه و سرنگونی امیرمحمد و حصروی، یک ندیم خوش ذوق بخواندن ترانه می‌پردازد که مراد از آن همان نوع دوبیتی است که نام دیگر آن ترانه میباشد. و یکی بود از ندیمان این پادشاه و شعر و ترانه خوش گفتمی " (۸۵) بنابراین از دوبیتی، قالب شعری منظور است. اصطلاح **قول** که در موسیقی نخستین قسم نوبت هاست یکبار در توصیف افسردگی امیرمحمد که سودا بر او غلبه کرده بود از زبان عبدالرحمن قوال نقل میشود. (ص ۵) قول یک فرم آوازی است که معمولاً با شعر عربی اجرا میشده است.

اصطلاح صوت از واژه‌های چند معنایی بمعنی آواز و صدا و بانگ و نوا و سرود و نیز یکی از اصطلاحات خاص موسیقی و بقول عبدالقادر مراغی "دهمین نوع تصنیف" در موسیقی قدیم ایران و "صوت آنچنان باشد که بعد از شعر الفاظ نقرات نباشد" (جامع الالجان: ۱۳۷۰، ۳۴۲؛ واژه نامه موسیقی ایران زمین: ۱۳۷۵، ج ۱، ۱۳۴) و نجم الدین کویکی بخارایی در قرن دهم گفته که صوت از مخترعات عجم است و در عرب نمیباشد. (سه رساله در موسیقی قدیم ایران: ۱۳۸۱: ۶۱) در تاریخ بیهقی در شرح روزگار زار امیرمحمد بیتی عربی گفته می‌شود که بنظر برای صوت خوانی مناسب است "الحق روز این صوت است" (۸۶) و بیهقی از زبان استاد عبدالرحمن قوال روایت میکند که: "با چندین اصوات نادر که من یاد دارم امیرمحمد این صوت از من بسیار خواستی" و از معدود اخباریست که در تاریخ بیهقی بمضمون ترانه یا آهنگی اشاره میشود که این دوبیت "خطاب عاشقی است فرامعشوقی، خردمند را بچشم عبرت درین باید نگریست" (۸۷) صوت فرمی موسیقایی و یکی از اقسام موسیقی شش مقام ماورالنهر (تاجیکستان و ازبکستان) امروزیست. (موسیقی تاجیکستان: ۱۳۹۵، ۷۸)

۳-۱-۲- اصطلاحات خاص موسیقی:

واژگان فنی و تخصصی موسیقی است که در کتابهای نظری ذکر شده و موسیقیدانان آنها را فرا میگیرند. در چند شاهد مثال در تاریخ بیهقی واژه‌های خاص موسیقی در ذیل واژگان چند معنایی توضیح داده شده اند مثل ترانه، صوت، قول که در فوق گفته شد.

۴-۱-۲- اسامی برخی از شاعر- موسیقیدانان نظیر فرخی در تاریخ بیهقی ذکر شده است و نیز موسیقیدانان مشهور و گمنام که اگر ابوالفضل بیهقی آنها را ذکر نمیکرد، گمنام میماندند. **بوقی** مرد خوش مشربی است و از زبان او بیهقی روایت کرده که زمانی که

امیرمسعود در ستارآباد خیمه زد بوقی چنین میگوید که " من که بوقی ام جوان بودم و پا سبان لشکر؛ او رفت و سیمجوریان رفتند و سلطان محمود نیز برفت " بیهقی در جمله معترضه ای در صفت بوقی پا سبان ذکر میکند که " سخت خوش مردی بود و امیر و همه اعیان لشکر او را دوست داشتندی و طنبور زدی " (۵۸۵) طنبور از آلات زهی و کوچکتر از طنبور شروانیان (معین) متشکل از دو واژه "تنب" بمعنی برآمدگی و پسوند "ور" و انواع تنبور بغدادی یا میزانی، تنبور ترکی، تنبور خراسانی و تنبور شروانیان (واژه نامه موسیقی ایران: ۱۳۷۵، ۲۸۲) **عبدالرحمن قوال** از قوالان مشهور دربار غزنویست که بارها از قول او از سرای درونی امیران غزنوی خبردار میشویم "عبدالرحمن قوال گفت دیگر روز پراکنده شدند " (۸۴) شاید در آن روزگاران، کسانی را که قول میخواندند، قوال میگفتند و یا آنان با مطربان فرق داشتند. نظیر " قوالان و مطربانش و شرابداران شراب و انواع میوه و ریاحین میبردند " (۴) مراد از قوال و موسیقی قوالی امروزه نوعی موسیقی گروهی توام با کف زدن درمدح و نعت حضرت پیامبر(ص) و حضرت علی (ع) است و بیشتر در پاکستان و هندوستان رواج دارد، و ممکن است یک ساز بنجو آنها را همراهی کند. درشاهد مثال دیگر بیهقی از زبان عبدالرحمن در بیان احوال امیرمحمد و دستگیری او در قلعه کوهتیز روایت میکند: " من و ماننده من که خدمتکاران امیرمحمد بودیم ماهی بی را مانستیم از آب بیفتاده و درخشکی مانده...وهر روزی برحکم عادت بخدمت رفتیمی من و یارانم مطربان و قوالان و ندیمان پیر و آنجا چیزی خوردیمی...وما درپیش او نشسته بودیم و مطربان میزدند... " (۸۰) در اینجا قوال عبدالرحمن نشسته و چیزی اجرا نمیکند و نزد او مطربان مینواختند. مطربان در جشنها و مراسم شادی در مجالس درباری دعوت میشدند. مطربان با **مسخرگان** نیز محشور بودند و بمجلس شوروشادی میبخشیدند. **طلحک** از مشهورترین دلکان دربار محمود غزنوی بوده است. "مطربان و مضحکان همه مست شدند و بگریختند " (۸۹۲) وگاهی نیز مسخره نامیده میشدند " تا بوقی و دبدبه زن را و مسخره را باید ستد " (۳۳۷)

۵-۱-۲- امثال موسیقایی در تاریخ بیهقی:

در تاریخ بیهقی امثال موسیقایی بندرت بکاررفته. " سلطان مسعود خلوت کرد... و طبلی بود که زیر گلیم میزدند و آواز پس از آن برآمد و منکر برآمد " (۱۹۲) و طبل زیر گلیم زدن کنایه از کار بیهوده کردن است.

۲-۲- انواع سازها:

شامل سازهای کوبه ای، بادی ورشته ای و متعلقات آنهاست که بیشترین بخش واژگان موسیقایی را بخود اختصاص داده است.

۱-۲-۲- سازهای کوبه‌ای: کوس ساز کوبه‌ای شبیه طبل و نوع روئین آن از جنس روی که آنرا اغلب بر فیل حمل میکردند و دارای کاربردهای مراسمی و جنگی و گرنه بدنه‌ای آن از جنس چوب ساخته می‌شد. "و نماز بامداد بکرد و کوس روئین که برجمازگان بود فروکوفتند" (۸۰۴ دبدبه، شبیه کوس و طبل و در تو صیف خلعت یافتن امیر مودود آمده "خلعتی که چنان نیافتاده بود که در آن کوس و علامتها و دبدبه بود" (۶۹۸) هر چند دهل که طبلی دورویه است در اشعار بسیاری از شاعران تا قرن پنجم کاربرد نداشته و بجای آن از طبل یا کوس استفاده شده، مکرر در تاریخ بیهقی و اغلب همراه بوق آمده: "تکبیری از لشکر برآمد و دهل و بوق بزدند" (۵۳۸) طبل، سازی کوبه‌ای است و امروزه رایج است و بیشتر در مراسم عزاداری عاشورا یا در ارتش کاربرد دارد و در تاریخ بیهقی طبل با بوق توامان آورده شده "فرمود یکبار بوقها و طبلها بزدند" ۵۵۳ و طبلک، دبلک طبل خرد (آندراج) نقاره جفتی (فرهنگ ناظم الاطبا) نوعی طبل بوده که گویا هندیها مینواختند و کوچکتر از طبل است. کاسه پیل ترکیبی از کاسه و پیل و چه بسا کاسه بمعنی همان کوس و سازی کوبه‌ای که برپیل میبستند و "از آلات کوبی نوعی نقاره بنظر میرسد که این ساز را به همراه دهل و بوق در ایام سوگواری مینواختند" آواز بوق و دهل و کاسه پیل بخواست گفتی روز قیامت است" (۳۸۲) آئینه پیل دهل یا طبل بزرگی که آن را برپیل می‌بستند و مینواختند و برخی آنرا جرس و درای و زنگ که برپیل آویزند. "و بردرگاه کوس فروکوفتند و بوقها و آئینه پیلان جنبانیدند گفتی رستخیز است." (۴۷۳)

۲-۲-۲- سازهای زهی: سازهای رشته‌ای یا سیمی اند که در تاریخ بیهقی تعدادی از آنها ذکر شده، در قاصیده رائیه بوحنیفه به فراخور فضای بزم خسروانه ذکر شده‌اند مثل رباب و در پایان قاصیده از شاعرانی چون عنصری و عسجدی و زینبی و فرخی نام میبرد. عود، از سازهای عهد ساسانیان، (۱۵۵۵) با کاسه گلابی شکل با دسته ای کج (واژه نامه موسیقی، ۱۳۷۵، ۱۸۸)، ساز برپت مرکب از بر بمعنای سینه و پهلوی و بط بمعنی مرغابی به سازی اطلاق می‌شود که شبیه سینه مرغابی و ساز شسته ای و بزمی است. از انواع آلات موسیقی رشته‌ای که "پارسیانش رود و اعراب عود نامیده اند و از ایرانیان گرفته‌اند" (واژه نامه موسیقی ایران زمین، ۱۳۷۵: ۱۴۳) ساز رود بمعنای تار و زه و سیم و تر و مطلق ساز و بمعنی ساز برپت و عود که در ادب فارسی فراوان کاربرد داشته است. (واژه نامه موسیقی ایران زمین، ۱۳۷۵: ۵۵۱) و چنگ در قاصیده مصعبی (۴۸۱) ذکر شده است.

۳-۲-۲- سازهای بادی: دو ساز بادی نای و بوق زرین در استقبال از رسول و پس از تسلیم هدایا بکار میرفته است این هنگامی است که "امیر روی بقبله کرد و بوقهای زرین که در میان باغ بداشته بودند بدمیدند و آواز به آواز دیگر بوقها پیوست .. و بردرگاه کوس

فروگفتند و بوقها و آئینه پیلان جنبانیدند گفتی ر ستخیز است" (۴۷۳) منظور از بوقهای زرین ، بوقهای بزرگ از جنس طلا و دارای صدای مهیبی و مختص دربارست و برای مراسم مهم نواخته میشوند

۲-۲-۴- متعلقات سازها : به آلاتی گفته میشود که برای بصدا درآوردن سازها از آنها استفاده میشود. مثل مضراب ، ناخن ، زخمه و... در تاریخ بیهقی از زخمه یاد شده است. زخمه بمعنی مضراب و وسیله نواختن آلات زهی مضرابی (واژه نامه موسیقی، ۱۳۷۵: ۵۷۵) و زخمه گرفتن کنایه از اجرای موسیقی و شروع به خنیاگری است. " و مطربان زخمه گرفتند و نشاط بالا گرفت "

نتایج:

در تاریخ بیهقی بمناسبت درون گروهی سلاطین غزنوی و بزرگان درباری در مواجهه با موسیقی پرداخته شده و اینکه با وجود ممانعت متشرعین و سلاطین متعصب نظیر سلطان محمود، موسیقی در قرن پنجم یکی از ارکان مهم برگزاری مراسم ، اعیاد و مناسبتهای بزمی و رزمی دربار غزنوی بوده است سبک شناسی واژگان موسیقی ؛ بجهت سبک روایی- تاریخی و واقع گویی، نشان میدهد که لغات فنی و خاص موسیقی در بیهقی کاربرد نداشته و در ذیل لغات چند معنایی ، ۳ واژه قول و ترانه و صوت با معنی موسیقایی ذکر شده اند و از ۵۴ واژه موسیقی که بسامد تکرار کل آنها به ۲۸۹ بار میرسد ، مطرب ۴۸ بار و انواع سازها ۸۵ بار مکرر بکار رفته اند. ازین بین چندین ترکیب و فعل ابداعی موسیقایی، مثل زخمه گرفتن و جنبانیدن بوق بجای نواختن یا دمیدن ساز مشاهده میشود . شاخصترین و بیشترین بسامد واژگان موسیقی در تاریخ بیهقی به ساز کوبه ای کوس با ۲۲ بار تکرار اختصاص یافته و پس از آن دهل و طبل و بوق در مراسم خلعت دادن و نمایش عظمت دربار و انتصاب بزرگان بهمراه علم و منشور بکار رفته است. مجالس سرایی یا خلوت امیران را مطربان با سازهای بزمی مثل بربط ورود رونق میدادند و مسخرگان و مضحکان نیز آنها را نشاط میبخشیدند. مطربان سرایی و بیرونی و ندیمان خاص و غلامان سرایی جایگاه ویژه ای در دربار داشتند . تناقضاتی در خصوص پرداخت دستمزد مطربان و شاعران وجود دارد . گاهی مطربان بیشتر از شاعران و درجایی دیگر شاعران بیشتر از موسیقیدانان صله دریافت میکنند و در مراتب برگزاری مراسم درباری ، نخست شاعران بشعرگویی میپرداختند و سپس ندیمان و مطربان به اجرا میپرداختند. تاریخ بیهقی به لحاظ ذکر برخی از موسیقیدانان که نامی از آنها در تذکره ها و جنگهای ادبی یا کتب موسیقی برده نشده، نظیر عبدالرحمن قوال منبع موثق موسیقی شناسی و تاریخ موسیقی بشمار میرود. در بین واژگان موسیقی ، واژه خاص موسیقی عربی یا هندی وجود ندارد. برخی از واژه ها با ستانیند مثل عود و رود و چنگ که حین ذکر اشعار شاعران مشهور یا گمنام آورده شده و اینکه در زمان

بیهقی هنوز رواج داشته‌اند اخباری نداریم ساز رود و چنگ چه بسا کاربردی ارکائیکی داشته‌اند. بنظر میرسد که متون نثر تاریخی - ادبی قابلیت زیادی در بیان شرایط و موقعیت موسیقی دارند و تاریخ بیهقی، یک ازارش‌مندترین این نوع آثار در شناسایی دنیای موسیقایی قرن پنجم بشمار میرود.

نمایه بسامد و میزان واژگان موسیقی در تاریخ بیهقی

ردیف	لغات	تعداد	تکرار
۱	اصطلاحات خاص موسیقی	-	-
۲	واژه‌های دومعنایی و چند معنایی با معنای موسیقایی افعال: دست به کار بردن (۱)، بازی کردن (۱) بر کارشدن (۱) پای کوفتن (۳) گرفتن (۴) گفتن (۲) خواندن (۱) دمیدن (۶) خاستن (۳) جنباندن (۱) فرو کوفتن (۱۱) زدن (۲۲) سرودن (۲) سرود کردن (۱) سایر لغات: آواز (۱)، بازی (۱) پایکوب (۱) قول (۱) غریو (۱) سماع (۱) ترانه (۱) زخمه (۱)	۲۳	۷۷
۳	واژه‌های تک معنایی موسیقی ترانه زن (۱) مطرب (۴۸) خنیاگر (۱) رامشگران (۲) نغمه (۱) سرود (۳) طرب (۳) قوال (۱)	۷	۱۲۳
۴	اسامی سازها بوق (۱۷) بوق زرین (۱) چنگ (۱) رود (۲) بربط (۳) عود (۱) کوس (۲۷) رباب (۱) دبدبه (۴) دهل (۱۲) مقررعه (۱) طبلک (۱) کاسه پیل (۱) نای (۲) کوس رویین (۱) نای رویین (۱) طبل (۶) آینه پیل (۱)	۱۸	۸۵
۵	ذکر موسیقیدانان: عبدالرحمن قوال، بوقی، سستی زرین، محمد بربطی، عندلیب	۴	۴
	کل واژگان موسیقی	۵۴	۲۸۹

این پژوهش دستاورد طرحی است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به انجام رسیده است.

منابع

بیهقی، ابوالفضل (۱۳۷۱) تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، انتشارات دانشگاه فردوسی، ستایشگر، مهدی (۱۳۷۵) واژه نامه موسیقی ایران زمین. انتشارات اطلاعات. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۴) لغت نامه، انتشارات دانشگاه. صفا، ذبیح الله (۱۳۶۸) تاریخ ادبیات ایران (ج ۳)، انتشارات فردوس.

- مراغی، عبدالقادر (۱۳۵۶) مقاصدالالحان، بنگاه نشر و ترجمه. چ دوم
مشحون، حسن (۱۳۷۳) تاریخ موسیقی، انتشارات سیمرغ.
فرای، ریچارد (۱۳۷۵) عصر زرین فرهنگ ایران، انتشارات سروش، چ سوم
مراغی، عبدالقادر (۱۳۷۰) شرح ادوار، به اهتمام تقی بینش، مرکز نشر دانشگاهی، چ اول